

آنچه شاه پیش بینی نمی کرد...!

وسیله وزارت فرهنگ به موقع به اجرا گذارد...! اما این قوانین درست در کشور اجرا نشد.

دکتر سعیدی جمله ای مهم دارد؛ توصیه می شود به نظریات متخصصان ایرانی تکیه شود نه ادعای شرکت های خارجی. سعیدی در مقاله اش توضیح می دهد چطور توانست حرفش را به کرسی بنشانند و اجازه ندهد صنعت نفت ما بیش از این در سطح میلیاردری متضرر شود.

از نوشته ام برمی آید نتیجه بگیرم شاه ایران خائن بود و به همین دلیل صنعت نفت ایران نتوانست متکی به دانش فنی و فناوری بومی باشد اما این حرف ها اجازه تحلیل کردن را از آدم می گیرد. گویی مهر خاتمی زده می شود بر ذهن هایمان تا دیگر بررسی نکنیم. خیانت پهلوی دوم می تواند به روش های دیگری نیز ثابت شود. مهم آن است بدانیم چه اشکال های ساختاری باعث شد تا صنعت نفت ایران قلکی برای ایران باشد، پول

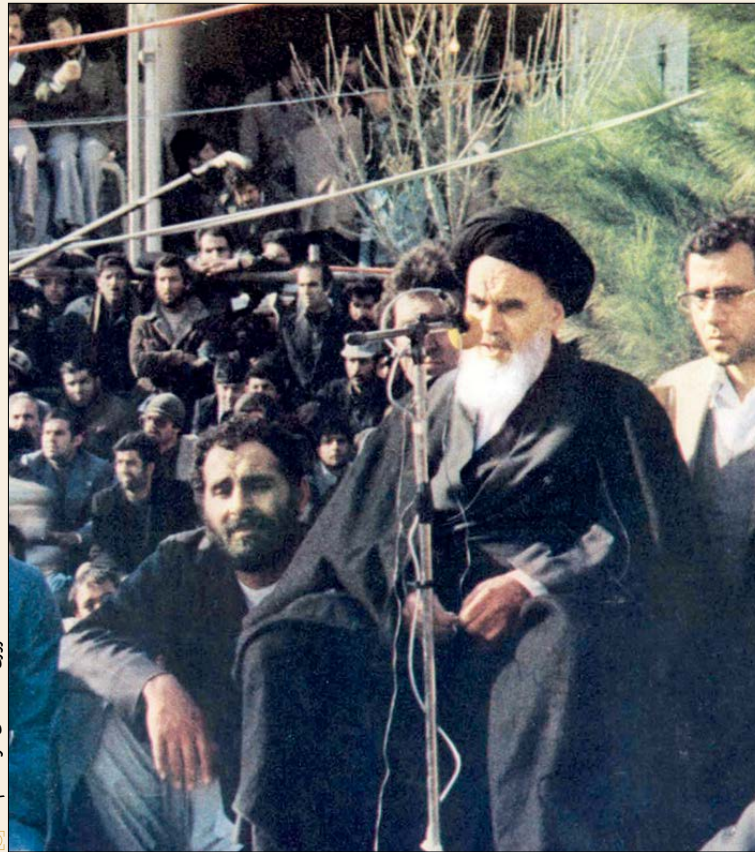
توجیبی کشور را بدهد ولی برای توسعه فناوری خود نفت کاری نکند. یکی از اشکالات به تعبیر کارشناسانی چون سیروس امیرقدسی و علی ملکی و سعید شوال پور (که همگی از متخصصان مهندسی پیشرفت اقتصادی هستند) این بود که در صنعت نفت منطق تولید بر منطق فناوری

می چربید، شرکت های خارجی در نظر مدیران نفتی همان عمه لهایی بود که نفت را استخراج می کردند و چرا ما خودمان را بیخود خسته کنیم؟! مهم این است که با پول نفت کشور را ثروتمند و آباد کنیم. آبادانی بر مبنای وابستگی سرنوشت مهیبی برای خود پهلوی رقم زد.

امروز اما قدرت برتر با کسی است که بتواند به فناوری های پیشرفته ای در صنعت نفت حاضر باشد. حرف اول و آخر را او می زند و ما با وجود در دست داشتن منابع باید حرف او را گوش کنیم. این همان منطق دارسی نیست؟ همان است؛ منتها با زیرکی و هوشمندی و پشتکار بیشتر غربی ها به نتیجه رسیده است نه باروش های دفعی و سخت.

مشکل دیگر این بود که در سال های بعد از کودتا تا انقلاب، حکومت پهلوی نیازی به تشویق دانشمندان داخلی برای بومی سازی صنعت نفت نمی دید. حتی نیاز نمی دید چرخه مونتاژی کاملی در صنعت نفت به پا خیزد. نگاه پهلوی به نفت نگاه بهره بردارانه بود. نگاهی که در کوتاه مدت می توانست سرمستش کند اما در بلندمدت زمینش زد. یادست کم یکی از زمینه های فروپاشی

پهلوی را پدید آورد. حتی در سخنرانی بهشت زهرای امام خمینی در سال ۵۷ موضوع وابستگی اقتصادی و صنعتی یکی از ارکان استدلالی آن خطابه تاریخی است. اگر این وابستگی در هر صنعت و شاخه ای توجیه داشت، در صنعت نفت، که یگانه صنعت جهانی ایران بود، ضدا امنیت ملی به حساب می آمد و می آید.



روزی که داستان غارت تمام شد

چه مسیری گام برمی داریم، پرسش اینجاست که چرا در دوره ای که نفت ایران پرمشتری بود و ایران عقاب اوپک نام می گرفت هیچ تلاشی برای استقلال صنعتی و اقتصادی کشور دست کم در دنیای نفت صورت نمی گرفت؟

جالب است در بین پژوهشگران ماهم کمتر به این موضوع پرداخته شده است. مسعود درخشان، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی بر این باور است که در زمینه توسعه فناوری در صنعت نفت کشور در پیش از انقلاب مطالعات درخوری صورت نگرفته است. تمرکز نویسندگان بیشتر بر قراردادهای نفتی پیش از انقلاب است.

آنچه گفته شد، کلید بحث «وابستگی؛ اسم رمز غارت نرم» است. نسبت به غنی سازی ظرفیت های علمی و فنی مهندسان داخلی بی اعتنایی صورت گرفت. مصدق به دنبال سیاستی بود که بتواند متخصص داخلی تربیت کند. این سیستم در

روش کاری بعد از کودتا تا سال ۵۷ آن طور که انتظار می رفت کار نمی کرد. وگرنه بنا بود «برای تبدیل تدریجی متخصصان خارجی به متخصصان ایرانی هیات مختلط (شامل پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای

ملی) مکلف باشد تا «آیین نامه فرستادن عده ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فراگرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را تدوین کند و... به

می کردند. تعدادی از شاگردا دل های این مدرسه عازم بیرمنگام انگلستان می شدند، عموماً در رشته شیمی مدرک می گرفتند و به کشور بازمی گشتند و در پست های بالادستی منصوب می شدند. آنها گروهی داشتند به نام «شام مینا». پست های

بالای شرکت نفت عموماً در اختیار آنان بود. مدیر اکتشاف، مدیر امور بین الملل، مدیر پتروشیمی، مدیر امور غیر صنعتی، رئیس پخش، رئیس فروش و صادرات نفت و... از اعضای این گروه انتخاب می شدند. کاملاً مشخص است چطور تشکیلاتی

با حمایت خارجی ها به ظاهر از بین ایرانی ها بر مصدر کار می نشست. شرکت های خارجی نیز افرادی را از دانشکده علوم دانشگاه تهران که اطلاعات پایه ای و تحصیلات مرتبطی در زمینه نفت نداشتند به

خارج می فرستاد. آنها پس از چند ماه دوره دیدن و پس از چند سال کار کردن تبدیل به افراد کلیدی در صنعت نفت می شدند که همیشه محتاج به کمک های خارجی بودند.

سعیدی ادامه می دهد: پست های غیر فنی مانند فروش نفت در اختیار فراماسونرها بود که ارتباط نزدیکی با گروه شام مینا داشتند.

سعیدی که سر بسته این اطلاعات را در اختیار مخاطبان قرار می دهد توضیح می دهد چقدر سختی کشید تا بتواند یک بحث علمی در زمینه استخراج را به کرسی بنشانند.

صرف نظر از این که امروز چه اعتقادی داریم و در

انقلاب اسلامی به کنار، شاه ایران باید می توانست پیش بینی کند روزی ممکن است تحریم شود همان طور که محمدمصدق تحریم شد. شاه ایران باید پیش بینی می کرد ممکن است همه دست به یکی کنند تا بر سر صنعت نفت ایران بلا بیاورند.

چرا سیاست های بومی سازی را جدی نگرفت؟ نمی گویم خود رو را بومی کنیم، نمی گویم کشاورزی را بومی کنیم، نمی گویم تولید آهن و سیمان را بومی کنیم، ولی نفت چطور؟ وقتی تمام زیر ساخت های کشور دارد با پول نفت جلو می رود پس باید به اندازه حواصیل مان علمش را هم داشته باشیم و فناوری اش را به دست آورده باشیم. چرا این غفلت بزرگ اتفاق افتاد؟ رفتار خود شاه هم نشان دهنده

این غفلت و حتی خیانت تمدنی است. شاه نفت می فروخت و اسلحه می خرید. چرا اسلحه می خرید؟ چون می دیدید در منطقه ای متشنج زندگی می کند. می دید اطراف ایران حدود ۱۵ کشور هستند که هر کدام شان می توانند

نادان ترین دوست و دانا ترین دشمن باشند اما چرا این ضرورت درست یعنی تجهیز نظامی کشور با سلاح های روز، شاه را به این نتیجه نمی رساند که صاحب دانش فنی در اسلحه سازی و از آن

مهم تر صاحب دانش فنی در نفت باشد؟ کشوری که می تواند روزی چهار میلیون بشکه نفت صادر کند نباید پتروپالایشگاه داشته باشد؟

نویسنده های منتقد جمهوری اسلامی حتی معتقدند: ایران برای کاوش و استخراج نفت نه توان فنی لازم را داشت نه قادر به تأمین سرمایه گذاری های مورد نیاز بود.

بدیهی است نمی خواهیم پنبه شاه مخلوع را بزیم؛ چه آن که حدود نیم قرن پیش توسط مردم ایران آن شاه در آستانه دروازه های تمدن از کشور به بیرون پرتاب شد. موضوع این است که هنوز عده ای در صنعت نفت کشور مثل شاه فکر می کنند. هنوز توجیه نیستند چرا باید در صنعت نفت صاحب

دانش فنی و صاحب فناوری باشیم. در این میان خواندن اظهارات آقای دکتر علی محمد سعیدی راهگشاست. دکتر سعیدی دکتر مهندس نفت از دانشگاه استنفورد داشت. دکتر سعیدی در دهه ۴۰ در صنعت نفت ایران مشغول به فعالیت شد. پس از پیروزی انقلاب از صنعت نفت کناره گرفت و ساکن پاریس شد. او سال ۹۲ در ۸۰ سالگی درگذشت اما یک مقاله بسیار مهم از

او در دست ماست (موقعیت نفت و گاز کشور در بازارهای نفت و گاز جهان در مجله مجلس و پژوهش سال ۹ شماره ۳۴) که می تواند اندکی از جوانب وابستگی در صنعت نفت در سال های بعد از کودتا را توضیح دهد.

دکتر سعیدی می گوید از سال ۲۷ در مدرسه فنی آبادان سالانه حدود سی نفر از طریق کنکور وارد این مدرسه می شدند و چهار سال تحصیل

و